

تسخیر شدگان

اقتباسی از رمان داستایفسکی

آلبر کامو

مترجم

خشایار دیهیمی



نسترمای

تهران

۱۳۹۸

پیش‌گفتار

تسخیرشدگان یکی از چهار یا پنج اثری است که من فراتر از همه‌ی آثار قرارشان می‌دهم. از بسیاری جهات می‌توانم ادعا کنم که با آن بار آمدم و از آن تغذیه‌ی فکری کردم. به هر صورت، تقریباً بیست سال تمام در عالم خیال شخصیت‌های آن را بر روی صحنه به تصور درآورده‌ام. این شخصیت‌ها، علاوه بر این که در قوای شخصیت‌های دراماتیکنند، رفتاری مناسب، توأم با طغیان‌ها و عکس‌العمل‌های سریع و ناراحت‌کننده دارند. علاوه بر این، داستایفسکی در رمان‌هایش از تکنیک تئاتری بهره می‌گیرد: او از دیالوگ استفاده می‌کند و فقط گهگاه به مکان و عمل می‌پردازد. افراد تئاتری — چه بازیگر، چه کارگردان، چه نویسنده — همیشه در کارهای داستایفسکی می‌بینند که خود او همه‌ی پیشنهاد‌های لازم برای اجرا را داده است.

و حالا تسخیرشدگان، پس از چندین سال کار و تلاش و استقامت، به مرحله‌ی اجرا بر روی صحنه رسیده است. و البته من بر همه‌ی آنچه نمایش‌نامه را از این رمان شگفت جدا می‌کند واقفم! من فقط کوشیده‌ام جریان زیرین کتاب را دنبال کنم و مثل خود کتاب از کم‌دی طنزآلود به درام و آنگاه به تراژدی برسم. هم اصل اثر و هم اقتباس نمایشی‌اش از یک نوع رئالیسم شروع می‌شود و در نهایت به یک

تراژدی استیلیزه می‌رسد. در الباقی موارد کوشیده‌ام در میان این جهان پهناور، نامعقول و نفس‌گیر، که پُر است از فوران‌ها و صحنه‌های خشونت‌بار، هرگز مسیر پر از رنج و محبتی را که جهان داستایفسکی را اینهمه به جهان هریک از ما نزدیک می‌کند گم نکنم. شخصیت‌های رمان‌های داستایفسکی، چنان‌که اکنون خوب می‌دانیم، نه عجیب و غریب هستند و نه پوچ؛ آن‌ها مثل ما هستند و ما هم همان شور و احساسات آنها را داریم. و اگر تسخیرشدگان اثری پیامبرگونه است، فقط به این دلیل نیست که از پیش بر نیهیلیسم کنونی ما گواهی می‌دهد، بلکه در ضمن به این دلیل هم هست که قهرمانان او جان‌هایی پاره‌پاره و مرده هستند که نمی‌توانند عشق بورزند و از این ناتوانی رنج می‌برند، جان‌هایی که می‌خواهند اعتقاد داشته باشند اما از این کار عاجزند؛ درست مثل آدم‌هایی که جامعه‌ی ما و جهان روحی ما را آکنده‌اند. موضوع این اثر همان قدر که قتل شاتوف است (ملهم از یک واقعه‌ی حقیقی، یعنی قتل دانشجو ایوانوف به دست نجایف نیهیلیست)، همان قدر هم ماجراهای روحی و مرگ استاوروگین، قهرمانی معاصر، است. پس ما نه تنها یکی از شاهکارهای ادبیات جهان را در قالب نمایش ریخته‌ایم، بلکه به اثری پرداخته‌ایم که کاربردی جاری هم دارد.

آلبر کامو

توضیح. در اقتباس نمایشی تسخیرشدگان، اعتراف استاوروگین (که به دلیل سانسور چاپ نشده بود، اما جای آن در روایت مشخص بود) در دل اثر جای داده شده است. ضمناً از چند صد صفحه یادداشت‌های تسخیرشدگان، که نویسنده به هنگام نوشتن رمان در دفتری می‌نوشت، نیز استفاده شده است.